

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۵ سپتمبر ۲۰۲۳



یونس نگاه

## تجربه سکولار

در محله‌ای که چندسال اخیر زندگی کرده‌ام، مسجد کلانی با مناره‌های چندده متری و معماری زیبا است. حویلی مسجد نیز کلان است. در این مسجد امروز محفلی بود. جمعی از اطفال ۴-۵ ساله که احتمالاً تازه به کودستان شامل می‌شدند یا شاید هم به دلیل دیگری، آنجا محفل گرفته بودند. در بخشی از حویلی که در آن ساعات روز سایه‌رخ است و درخت هم دارد، دستگاه پخش موسیقی گذاشته بودند و کودکان با معلمی که لباس خرسک پوشیده بود می‌رقصیدند. والدین اطفال در اطراف آنان حلقه‌زده تعدادی کف می‌زدند و کسانی عکس و ویدیو می‌گرفتند. صدای موسیقی و چهجه اطفال (دختر و پسر) از مسجد بلند بود.

در این مسجد چندی پیش یک اتحادیه برای چند روز جلسه داشت. آنان سایه‌بان و میز و چوکی آورده و در صحن مسجد تجمع می‌کردند. ساعت‌ها سخنرانی، بحث و مذاکره در آنجا جریان داشت.

اذان مسجد هم پنج وقت بلند است. غیر از اذان صدای دیگری از آن نمی‌شنویم. فریاد تکفیر، سخنرانی‌های احساساتی، گریه و دشنام از آن بالا نیست. روزهای جمعه سرک‌ها و کوچه‌های اطراف مسجد پر از موتر می‌شود. در جمعه‌ها و عیدها مردم برای عبادت از دور و نزدیک به این مسجد می‌آیند، و بسیار پرت‌تر از برخی مساجد افغانستان می‌شود. در نمازهای عید سالون و حویلی مسجد پر از نمازگزاران می‌شود و یکی از جاده‌های کنار مسجد نیز بسته و به محل عبادت بدل می‌گردد (مسجد دور از جاده عمومی کلان است و گزینه‌های دیگر برای عبور و مرور موترها وجود دارد). دروازه مسجد همیشه باز است. تعدادی برای قضای حاجت به تشناب آن می‌روند، تعدادی برای شستن دست و روی، عده‌ای برای نوشیدن آب و کسانی برای تجمع انجمنی و برگزاری محافل. پارسال سیستم آب محله ما مشکل پیدا کرده بود و تا ترمیم آن مردم از مسجد آب به خانه می‌بردند.

در این محله کسی دستار نمی بندد، به ندرت فردی را با ریش بلند پیدا می‌توانی و خیلی از ساکنان نماز نمی‌خوانند. آنانی که به عبادت نیازمندند با آنانی که نیازی به عبادت ندارند در آشتی زندگی می‌کنند. مسجد مثل مکتب و هر نهاد اجتماعی دیگر بخشی از این جامعه است. کسی مردم را وادار به رفتن به مسجد نمی‌کند و کسی مانع رفتن دیگران به مسجد نیز نمی‌شود. مسجد از ملا نیست، از مردم است. مردم مثل امروز اگر ضرورت داشتند، محفل کودکانشان را در آنجا برگزار می‌کنند.

ملاي مسجد مردی جوان است که موتر دارد و احتمالاً معاش خوب می‌گیرد. هیچ‌گاه از مسجد کسی برای گدائی یا تقاضای کمک به مردم مراجعه نمی‌کند. ملا، صاحب اعتماد به نفس و آرام به‌نظر می‌رسد.

ترس از مسجد و ملا در این محله وجود ندارد و به نظر نمی‌رسد ملا نیز از مردم این محل بترسد یا نسبت به آنان کینه و نفرت داشته باشد.